گرفتار در یک دایره بسته

عادلی، سید محمد حسن

بررسی بودجه 86 بار دیگر موضوع نشست ماهانه کارشناسان روند اقتصادی بود.اما این بار از منظری دیگر یعنی بخش خارجی لایحه بودجه،مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و طی این‏ نشست به موضوع تراز پرداخت‏ها،تامین مالی خارجی،اثرات فشارهای بین‏المللی بر میزان‏ فاینانس‏ها و....پرداخته شده است.

اولویت نخست اقصادی کشور در سال آینده رعایت انضباط مالی است

گرفتار در یک دایره بسته

سید محمدحسین عادلی

از جمله مواردی که باید به آن توجه ویژه داشت بخش‏ خارجی بودجه است.زیرا با روندی که از سال گذشته‏ در زمینه واردات آغاز شده و همچنان فزاینده است‏ بررسی تأثیر آن بر تراز پرداخت‏های خارجی درخور توجه و تأمل فراوان است.همچنین است درباره افزایش‏ هزینه های داخلی،شرایط فوق العاده انضباطی مالی، وضع حساب جاری،حساب سرمایه و حساب ذخیره‏ ارزی کشور.

از سوی دیگر موضوع فاینانس ها یا تامین مالی خارجی‏ نیز اهمیت فراوانی در توازن نقدینگی ارزی کشور دارد. می دانیم که با وارد آمدن هرگونه خللی بر این عرصه با مشکل تامین مواد برای کارخانجات روبرو می شویم. معمولا مقداری ازفاینانس‏ها برای پروژه‏های جدید است و تعدادی نیز جایگزین فاینانس‏های قبلی می‏شود. به عبارت دیگر هر ساله با تامین مالی،برخی‏ باز پرداخت‏ها صورت می‏گیرد.اگر این فاینانس‏ها قابل‏ اجرا نباشند،که با در نظر گرفتن شرایط کنونی و تحریم‏ ناگفته دور از ذهن نیست،باید به جریان نقدینگی ارزی‏ کشور توجه کافی داشت.غفلت از موضوع کشور را دچار مشکل‏می‏کند.

باید توجه داشت وقتی فضای بین‏المللی قدری منفی‏ می‏شود،اثر تورمی بودجه انبساطی در داخل عمق و گستره بیشتری می‏یابد.این امر،چند دلیل دارد:

نخست اینکه به محض نامساعد شدن شرایط بین‏المللی از میزان فاینانس‏ها کاسته می‏شود؛هم‏ فاینانس‏های تجاری و هم فاینانس‏های میان‏مدت.

دوم،در اثر این کاهش،اجرای پروژه‏های‏ سرمایه‏گذاری با اشکال مواجه و کندتر می‏شود.

رخداد سوم این است که در اثر فضای منفی،نرخ ریسک‏ افزایش می‏یابد و در نتیجه هزینه معاملات و قیمت‏ اجناس برای ما بیشتر می‏شود.در چنین شرایطی مقدار بهره‏وری پول ما کاهش می‏یابد.این دو عامل باعث‏ می‏گردند پاسخ عرضه (supply response) کشور نسبت‏ به آن چه که خرج می‏کنیم کم شود و شکاف بین عرضه‏ و تقاضا بیش از پیش افزایش یابد.

باید توجه داشت که در اثر دو اتفاق موازی در داخل و خارج بر میزان فشار تورمی افزوده می‏شود.در داخل با پمپاژ پول،نقدینگی با سرعتی به مراتب بیشتر از عرضه‏ کالا و خدمات افزایش می‏یابد و در نتیجه سبب شکاف‏ میان عرضه و تقاضا می‏شود.

وقتی فشار بین‏المللی در بخش خارجی باشد، بهره‏وری پول،کم و هزینه معامله افزایش می‏یابد.در نتیجه از میزان معاملات کاسته شده و بار دیگر شکاف‏ میان عرضه و تقاضا افزایش بیشتری می‏یابد و فشار تورم‏ را هم بالا می‏برد خلاصه کنم:فشار هم از داخل و هم از خارج،هر دو،به افزایش شکاف میان عرضه و تقاضا دامن می‏زند و تورم را افزایش می‏دهد.

در این میان،نکته بسیار مهم،انتظارات مردم است. اگر انتظارات تورمی مردم با توجه به شرایط غیر طبیعی‏ بین‏المللی افزایش یابد و تمایل مردم به تبدیل دارایی‏ها بیشتر شود سبب بروز انحراف‏هایی در اقتصاد می‏شود. این انحراف‏ها خود،نه تنها بر فشارهای تورمی‏ می‏افزایند،بلکه محیط اجتماعی را عصبی کرده،زمینه‏ تورم لجام گسیخته را فراهم می‏کنند.

در عین حال انتظارات تورمی،مردم را به تبدیل‏ دارائی‏های‏شان تشویق می‏کند.مسکن،یکی از عرصه های مورد توجه مردم در چنین شرایطی است. همچنان که می‏دانیم افزایش تورم در بخش مسکن خود به عصبی شدن فضای اجتماعی دامن می‏زند.

چنین چشم‏اندازی گویای یک دور باطل خطرناک در اقتصاد کشور است:

افزایش قیمت‏ها و انتظارات تورمی و نیزبالا رفتن قیمت‏ دارائی‏ها به همراه فشاهای خارجی سبب بروز رفتارهای‏ غیر طبیعی و غیر قابل پیش‏بینی از سوی سرمایه‏گذاران‏ می‏شود.این رفتارها خود به نوسانات غیر طبیعی دامن‏ می‏زنند.حاصل جز رکود همراه تورم نیست.رکود تورمی‏ بر میزان ورشکستگی‏ها می‏افزاید و این امر خود زمینه‏ بحران‏های عصبی اجتماعی را فراهم می‏آورد و....

از جمله شاخص‏های مهم و مورد توجه در کشورهای‏ مختلف اعتماد کسب و کار (business confidence) است.با افزایش این اعتماد کسب و کار نیز رونق بیشتری‏ می‏یابد،زیرا شفافیت،سرمایه‏گذاری و اعتماد به آینده‏ بیشتر می‏شود.این شاخص حتی در عرصه خرده‏فروشی‏ هم مصداق دارد.همگامی که میزان اعتماد کسب و کار کم شود،میزان سرمایه‏گذاری کاهش می‏یابد،در نهایت‏ از میزان اشتغال کاسته شده،بیکاری افزایش می‏یابد.در نتیجه عرضه کل نیز افت می‏کند.

به اعتقاد من اکنون اقتصاد کشور از دو جهت مورد تهدید قرار گرفته است:یک جهت،پمپاژ پول‏ بودجه‏ای و جهت دیگر فشارهای سیاسی خارجی. این دو مسئله اقتصاد کشور را به شدت تحت فشار قرار می‏دهند.

نوسانات (volatility) بر میزان ورشکستگی‏ها می‏افزاید و از اعتماد کسب و کار می‏کاهد.اگر وضع به همین‏ منوال ادامه یاید نه تنها اکنون دچار کسری و تورم و مشکل‏ نقدینگی ارزی در گردش می‏شویم،بلکه در آینده و در طی چند سال گرفتار معضل تراز پرداخت‏ها نیز خواهیم‏ شد.

حال باید پرسید که چرا با وجود درآمد بی‏سابقه و بالای نفت در چند سال اخیر اینچنین دچار بحران‏ شده‏ایم.ما تنها در سه سال گذشته بیش از 150 میلیارد دلار درآمد داشته‏ایم.به‏راستی این میزان درآمد چه‏ مقدار فرصت و سازندگی برای کشور به ارمغان آورده‏ است؟

درآمد کشور در پنج ساله برنانه اول 115 میلیارد دلار پیش‏بینی شده بود.بر این اساس ظرف پنج ساله برنامه‏ 102 تا 103 میلیارد دلار در کشور هزینه شد.اما بیش از 70 میلیارد دلار از درآمد پیش‏بینی شده تحقق نیافت و در نتیجه ما به التفاوت آن از منابع خارجی تامین مالی شد. در آن پنج سال،رشد سرمایه‏گذاری حدود 12 درصد بود و نسبت سرمایه‏گذاری به تولید ناخالص داخلی به 23 درصد رسید.در آن زمان هر چه درآمد به‏دست می‏آمد به نحوی پس‏انداز و سرمایه‏گذاری می‏شد و به همین‏ دلیل میانگین رشد کشور در پنج ساله برنامه نخست به‏ بالاترین رقم تا آن زمان یعنی 7/3 درصد رسید.

چنان که پیداست نخستین اولویت اقتصادی کشور در سال آینده رعایت انضباط مالی و اقتصادی است. به بیان دقیق‏تر بزرگترین خطری که اقتصاد را تهدید می‏کند بی‏انضباطی مالی است.آثار منفی بی‏انضباطی‏ مالی و اقتصادی در شرایط نامناسب بین‏المللی،یعنی‏ هنگامی که تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار داریم‏ دوچندان می‏شود.از یابد نبریم که سیاست انبساطی‏ مالی بدون حد و مرز با ثبات اقتصادی و مالی سازگاری‏ ندارد.

جهشی که سر آغاز آن متمم بودجه 1384 بود باعث گردیده است:

آشفتگی، بی‏نظمی و بی‏انضباطی

غلامرضا تاجگردون

جهشی که به صورت لایحه متمم در قانون بودجه سال‏ 1384 رخ داد،سبب بروز آشفتگی،بی‏نظمی و بی‏انضباطی در بودجه گردید.البته با آن که چشم‏انداز، وضعیت بودجه سال 1385 نیز قابل پیش‏بینی بود،گرچه‏ این امکان وجود داشت که‏ آشفتگی‏ها،بی‏نظمی‏ها و بی‏انضباطی‏های بودجه تا حدودی مهار شوند.

بودجه سال 86 را نیز از دو منظر می‏توان مورد بحث و بررسی قرار داد:

از نظر حجم منابع و مصارف‏ از جمله ارز و ریال تزریق شده به‏ بازار؛

و به لحاظ عدم پیوستگی و همبستگی بین ارقام بودجه.

من در این تحث بیشتر به موضوع‏ درحالی‏که بودجه‏ استانی در قانون‏ بودجه به یکی دو برگ کاهش یافته‏ بود بار دیگر شاهد یک کتاب‏ 500 برگی در لایحه‏ بودجه هستیم‏ دوم توجه دارم.

در مورد منابع و مصارف آنچه رخ داده این است که ما در بلندمدت(یعنی در یک دو برنامه آینده)نخواهیم‏ توانست شکاف میان مصارف دولت و منابع جاری‏ دولت را برطرف کنیم.

پیش‏بینی این بود که حتی اگر برنامه چهارم بدون مانعی جدی‏ پیش برود تحقق تعادل میان منابع‏ و مصارف جاری دست‏کم به 10 سال زمان نیاز دارد.ولی جهش‏ صورت گرفته در سال 84 و برداشت بدون دلیل 8 تا 10 میلیارد دلار از حساب ذخیره ارزی، آن هم برای مصارف جاری‏ مملکت این چشم‏انداز را یکسره‏ از میان برد.